



موسیقی های حلال در جهان اسلام

قوالی، طریقه چشتی سماع عرفان و صوفیه

موسیقی یک پدیده هستی و نعمت خداوند است که برای آرامش جسمی روحی زنده جانان آفریده شده است. موسیقی بیان احساسات است که به وسیله اصوات موجودات زنده را دچار تحول کند. اگر موسیقی حرام میبود خداوند اینطور آوازهای زیبا را برای پرندگان نمی داد. در اروپا بلبل سیاه یا بلبل هزار داستان برای ساعتها آواز می خواند که خیلی دلکش و زیبا برای انسان است. جالب اینکه هر خواندن یکی از دیگر متفاوت می باشد. اگر حرام میبود خداوند به چنین پرنده کوچک چنین توانائی را نمی داد. ولی داد تا بشر و سایر موجودات از آواز او لذت ببرند.

زمانیکه پیامبر خدا به مدینه می آمدند و همه دف می زدند و همچو صوفیان نعت می خواندند. اگر دریه (دف) و موسیقی نعت خوانی حرام می بود و پیامبر خدا می توانست همه را منع کند؟ ولی نکرد. او فرق را در هر موارد می پذیرفت. پیامبر در مورد موسیقی که در شب حنا و خطنه سوری و غیره بود منع نکرد ولی موسیقی رقص و پای کوبی را که در آن زنان برقصند شراب و مستی آنجا باشد ممنوع قرار داده است. حدیث مشهور است که پیامبر خدا فرمودند کسانی که موسیقی مبتذل و رقص و پایکوبی زنان را می بینند و صدای شانرا می شنوند، گناه بزرگیست ... شنیدن و تماشا موسیقی امروزی که در آن رقص بچه های نو جوان و دختران در محافل اجرا میشود در اسلام حرام دانسته میشود. عربها هم نوع موسیقی را دارند که طریقه مذهبی داشته از زمان پیامبر الی امروز منع نشده است. اما در افغانستان ملاها این تفکیک را نکرده یکسره تمام موسیقی را حرام می دانند.

موسیقی با طریقه چشتی

در قرن چهارم هجری در چشت شریف افغانستان طریقت چشتیه پایه گذاری شد و سپس توسط حضرت سلطان مودود چشتی تمام نقاط همجوار خراسان بزرگ انتشار یافت بعداً توسط یکی از خلفا این توحید خواجه معین الدین چشتی طریقت چشتیه به شبه قاره هند گسترش داد و سپس به تمام جهان انتشار داده شد.

خواجه عبدالله انصاری یکی از شیفتگان طریقت چشتیه بود که در زمان خویش بجز از چشتیه دیگر طریقتی اختیار نکرد و همیشه همراه دو فرزند حضرت سلطان مودود چشتی بود و در هر جایی که می رفتند، سماع را بر پا می داشتند و حتی از بسکه مریدانش به وجد می افتادند جست و خیز می زدند و بر دیوار بالا می شدند؛ و همچنین در زمان سلطان مودود چشتی سماع بر پا می شد در و دیوار هنگام سماع به ساز و آواز می آمد و هر کافری که می گذشت مسلمان می شد و هر مریضش که می آمد شفا

می‌یافت ... رد پای آفرینش و و جا گرفتن این سبک را می‌توان در قرن هشتم هجری در ایران و افغانستان یافت. اولین مهاجرت مهم خراسانیان به هندوستان در قرن یازدهم صورت گرفت. «امیر خسرو دهلوی چشتی» که از بزرگان «فرقه چشتیه» بود با ترکیب کردن موسیقی خراسانی و هندی، موسیقی قوالی را بوجود آورد که امروزه آن را می‌شنویم.

مولانا جلال الدین رومی بلخی نیز توسط شمس تبریزی خرقة خلافت و مریدی اش به سلسله چشتیه می‌رسد و شمس تبریزی از بابا فرید گنج شکر چشتی خرقة خلافت پوشید. سپس مولانا بلخی سماع چشتیه را بر پا می‌داشت و کمی تغییرات را در سماع چشتیه مولوی بوجود آورد که بدور خویش چرخش می‌زنند ...



موسیقی قوالی (گور موخی)

موسیقی "قوالی" نوعی موسیقی عرفانی است که بیشتر در "سند" و "پنجاب" پاکستان و "حیدر آباد" و "دهلی" هند رایج است. در لغت این نوع موسیقی را دیوانه گری یا نگاری شرقی می‌نامند ولی در مفهوم ذکر و ثنا خداوند و پیامبر اسلام می‌باشد. عمر این موسیقی به ۷۰۰ سال قبل بازمی‌گردد. در معنای لغت عربی، قول به فرموده حضرت پیامبر اکرم (ص) گفته می‌شود و قوال کسی است که یک قول را مکرر می‌خواند و قوالی یعنی آنچه که قوال آنرا می‌خواند؛ و نیز هنگام قوالی باید که همه کلاً بسر داشته باشند و قوالی خوان باید زن و فاسق نباشد چون قوالی خوانی ذکر حق را می‌گویند. «نصرت فاتح علی خان» بعنوان بزرگترین خواننده این سبک موسیقی، آن را بین‌المللی کرده و به دنیا شناساند. نصرت با صدای جادویی و بی‌نظیر خود، تسلط، دانش عظیم موسیقی، و باور و ایمان به سبکش خدمت بسیار عظیمی به این نوع موسیقی کرد. نصرت‌خان در تمام ترانه‌های عرفانی‌اش روی دو موضوع مذهب و خدا تمرکز می‌کرد او خدا، پیامبر اسلام و همه پرهیزگاران را می‌ستود و از آنها الهام می‌گرفت. در کنار «نصرت فاتح علی خان» می‌توان از اسامی بزرگانی چون «برادران صبری»، «بهاالدین قطب‌الدین»، و «عزیز خان» نام برد. در آغاز صوفیان درگاهی جنوب آسیا این سبک را آوردند. «علی بن عثمان هجویری» پایه‌گذار صوفی‌گری در هندوستان، «خواجه معین‌الدین چشتی» و پیروان او به هنگام همایش، اشعار بزرگان خود را بصورت سروده‌هایی اجرا می‌نمودند که به قوال شهرت یافت. قوال که به عوامل ادبی و موسیقی غنی شده بود در نهایت گسترده‌ترین سبک موسیقی سنتی در هندوستان و پاکستان گردید.



سماع و موسیقی عرفانی

سماع و موسیقی عرفانی از زمان سلطان ابراهیم ادهم و تقریباً قرن دوم و سوم هجری پایه‌گذاری شده است. ابراهیم ادهم خود از اراکین بزرگ و وزیر اعظم دوره سلطنت سامانیان بلخ بود. در دوره که ابراهیم میزیست جا و جلال سلطنت سامانیان در کشور های تاجکستان ازبکستان شمال افغانستان شرق ایران مسقر بود. ابراهیم غرق ثروت جا جلال عیش و عشرت بود. او پس از نیمه عمر سلطنت را ترک نموده به صوفیه و درویشی پناه آورد در همین سبک دنیا را ترک کرد. حادثه طوری رخ داد که : گویند روزی چشم ابراهیم به مردی افتاد که در زیر سایه کاخ او نشسته بود , دیری نگذشت که درویش تکه نان خشکی از خورجین خود بیرون آورد و شربتی نوشید پس از دعا و حاجت به پشت خوابید. ابراهیم از دیدن این صحنه مانند آدمی که از خواب بیدار شود از خواب غفلت بیدار شد و دست از لباس سلطنت برداشت و راه فقر و درویشی را در پیش گرفت.

پس از این واقعه ابراهیم ادهم از بلخ بیرون آمد مدت نه سال در غار بنام هفت غار سکونت می‌گزیند. وی طی این مدت بنام شخص ناشناس زندگی می‌کند پس از مدت که مردم او را می‌شناسند به دیدار وی غرض دعا و حاجت می‌آمدند. ابراهیم از دنیا دلتنگ گردیده دوباره راه سفر را پیش گرفت. به نیشاپور رفت سپس از نیشاپور بطرف مکه و مدینه رفته در خدمت امام باقر قرار می‌گیرد. پس از چندی در مکه در حال فقر از دنیا می‌رود. پس از ابراهیم سماع پیروان زیادی را می‌یابد.

از جمله روزی یکی از بیانگذاران چهار مذهب اهل سنت امام احمد حنبل دید که در خانه اش پسرش همراه دوستانش سماع می‌کند و خودش نیز از بام بالا رفت و از گوشه شنید که محفل سماع است و خودش چنان به وجد افتاد که بیهوش گشت ... و اما او از شنیدن موسیقی رقص متنفر بود؛ امام غزالی در احیاء اعموم نیز از سماع بیان نموده و جواز داده برای سماع .۱ و موسیقی مبتذل را رد نموده و بزرگان دیگری نیز...

در حال حاضر در آسیای مرکزی و ترکیه «سماع» را خیلی نزدیک به قوالی می‌دانند و قوالی در هند، پاکستان و بنگلادش بعنوان «محفل سماع» نیز شناخته می‌شود.



موسیقی سماع با رقص صوفی

نوع موسیقی است که بدون آلات موسیقی و یا با آلات موسیقی سروده میشود سماع در لغت به معنی شنیدن، شنوایی و آوای گوش نواز است. در اصطلاح صوفیان سماع به معنی خواندن آواز و یا ترانه عرفانی توسط قوالان (گاه همراه با نغمه ساز) و به وجد آمدن شنوندگان در مجالس «ذکر خداوند» است. از آنجا که این به وجد آمدن گاه به رقص و دست افشانی می انجامد، مجموعه قوالی، نغمه ساز، به وجد آمدن شنوندگان (مریدان) با رقص، سماع گفته می شود. مولانا جلال الدین رومی بلخی زمانی که خرقة خلافت و مریدی اش به سلسله چشتیه می رسد تغییرات در سلسله چشتیه می آورد. امروز این سبک موسیقی در ترکیه شهرت جهانی داشته بنام موسیقی سماع صوفی یاد میشود.

